

حکومت قاجار از آقامحمدخان تا محمدشاه

در این درس ابتدا با شکل‌گیری سلسله قاجار و سپس با جنگ‌های ایران و روس و پیامدهای آن آشنا می‌شوید. تداوم تلاش‌های استعمارگران، و جنگ هرات، از دیگر موضوع‌های این درس است. «معاهده ارزنة الروم» بحث پایانی این درس را تشکیل می‌دهد.

بنیاد سلسله قاجار

ایل قاجار^۱ مانند سایر ایل‌ها و عشایر بزرگ ایران، یکی از عوامل مؤثر در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران به شمار می‌آید. این ایل از ترکمانان بود و در زمان مغولان به ایران کوچ کرد. به هنگام تشکیل سلسله صفوی توسط شاه اسماعیل، ایل قاجار در شمار ایل‌هایی بود که به یاری او پرداخت و بعدها در جرگه قزلباش‌ها درآمد.^۲

پس از سقوط حکومت صفوی، نادرشاه افشار میانه خوبی با قاجاریان نداشت. زیرا آنان مدافع حکومت قبلی یعنی حکومت صفوی بودند. پس از مرگ نادرشاه، قاجارها، مانند دیگر ایلات کوشیدند قدرت را در ایران به دست بگیرند. اما رهبر قاجارها یعنی، محمدحسن خان، جان خود را بر سر دستیابی به قدرت، از دست داد، و فرزندش، آقامحمدخان، به اسارت کریم خان زند درآمد و حکومت به خاندان زند منتقل شد.

با مرگ کریم خان زند، آقامحمدخان از دربار او گریخت، و سرانجام با غلبه بر لطفعلی خان، آخرین فرمانروای زند، حکومت را در کشور به دست گرفت.

۱. واژه قاجار برگرفته از واژه ترکی قاج یا قاج (کاج) است که از مصدر قاجمک (گیتمک) به معنی فرار کردن می‌باشد و پسوند «ار» نشانه اسم فاعلی آن است. بنابراین واژه (قاج + ار) به معنی کسی که فرار می‌کند، یا کسی که در کوهستان می‌دود و نیز مرد دونده و به عبارت روشن‌تر مردی که تند می‌دود، آمده است.

۲. در جنگ با عثمانی‌ها نیز، شاه اسماعیل از یاری قاجارها بهره جست. ر.ک. : نفیسی، «تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره

معاصر»، ج ۱، ص ۲۸.



آقامحمدخان مؤسس حکومت قاجاریه

به این ترتیب، آقامحمدخان توانست سلسله قاجار را در ایران بنیاد نهد. وی تهران را که در آن زمان روستایی در حومه ری بود به پایتختی برگزید. این سلسله از سال ۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ ش، یعنی قریب ۱۳۰ سال، بر ایران فرمانروایی کرد.

تلاش برای اعاده حاکمیت ایران بر قفقاز

قاجارها درست در زمانی به قدرت رسیدند که ایران درگیر رقابت‌های دولت‌های اروپایی شده بود. کاترین کبیر امپراتریس روسیه و جانشینان او می‌خواستند بر گرجستان که تحت حاکمیت مسیحیان بود و خان‌نشین‌های قفقاز که تحت کنترل مسلمانان بود، استیلای کامل خود را برقرار سازند. درحالی که اینها سرزمین‌هایی بودند که زمانی تحت حاکمیت صفویه قرار داشت و آقامحمدخان و قاجاریه مدعی آن بود. وی برای اعمال حاکمیت دوباره بر ایالت‌های شروان و گرجستان که در دوران زند به زیر سلطه روس‌ها رفته بودند، دست به تلاش‌هایی زد. یکی از موفقیت‌های وی، بازپس‌گیری شهر تفلیس از دست روس‌ها، در سال ۱۱۷۴ ش. بود.^۱ اما بعداً در لشکرکشی به قفقاز، توسط عده‌ای از همراهانش به قتل رسید.^۲

هجوم سیاسی — نظامی استعمارگران اروپایی به ایران

الف) جنگ‌های ایران و روس: قتل آقامحمدخان در قفقاز، موجب بروز هرج و مرج در نیروی نظامی ایران شد. فتحعلی‌شاه برادرزاده او در شرایطی به سلطنت رسید که روسیه با حمله‌های پی‌درپی، ابتدا گرجستان و سپس ایالت‌های دیگر را مورد تاخت و تاز قرار داد، و باعث بروز دوره اول جنگ‌های

۱. آصف، همان، ص ۴۷۳.

۲. در سال ۱۱۷۶ ش/۱۲۱۲ ق.



فتحعلی‌شاه، دومین پادشاه قاجاریه

ایران و روس شد. این جنگ‌ها از سال ۱۱۸۲ تا ۱۱۹۱ ش به درازا کشید، و به بسته شدن «عهدنامه گلستان»^۱ انجامید. به موجب این عهدنامه، ایران حاکمیت روسیه را بر ولایت‌هایی که تا آن زمان اشغال کرده بود به رسمیت شناخت. به این ترتیب ایالات داغستان و گرجستان و شهرهای باکو، دربند، شیروان، قره‌باغ، شکگی، گنجه، موقان و قسمت بالای طالش، به روسیه واگذار شد. به علاوه، حق کشتی‌رانی در دریای خزر، از ایران سلب گردید، در برابر، روسیه نیابت سلطنت عباس میرزا را در ایران به رسمیت شناخت و رساندن او به سلطنت را تعهد کرد. این بند که ظاهراً امتیازی برای ایران به حساب می‌آمد، در واقع به منزله نادیده گرفتن استقلال کشور و به رسمیت شناختن دخالت روسیه در امور داخلی آن بود.

۱. چون این معاهده در روستای گلستان از توابع قره‌باغ نوشته شد، به این نام مشهور گردید.



قلمرو ایران (در اوایل قاجاریه)

هجوم سیاسی- نظامی دولت‌های استعمارگر اروپایی، زمینه‌ساز بیداری اسلامی در ایران شد. عالمان دین برای مبارزه با نفوذ بیگانگان و مخالفت با سلطه استعماری از قواعد قرآنی و اسلامی مانند «قاعدة نفی سبیل»، «جهاد» و «فتوا» بهره بردند. عالمانی همچون آیت‌الله شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء و آیت‌الله سید محمد مجاهد، که مقیم عتبات عالیات بودند، و ملا احمد نراقی و برخی از علمای ایران علیه روس‌ها فتوای جهاد دادند، و بعضی از آنها خود نیز در جبهه‌های جنگ شرکت کردند. این امر موجب شد که مردم ایران و حتی شهرهای نجف و کربلا، مشتاقانه در مناطق اشغالی به مقابله با روس‌ها بپردازند و جلوی پیشروی آنان را بگیرند.

عباس میرزا در این جنگ‌ها از خود شجاعت و کاردانی زیادی نشان داد. اما متأسفانه، به سبب ضعف و غفلت فتحعلی‌شاه و دربارش و خیانت انگلستان به ایران، سرانجام این دوره از جنگ‌ها، به

نفع دولت روسیه و زبان مردم ایران خاتمه یافت.^۱

بدرفتاری روس‌ها با ساکنان ولایت‌هایی که طبق معاهده گلستان به آن کشور واگذار شده بود، موجب نارضایتی این مردم شد و آنان شروع به دادخواهی کردند. از سوی دیگر، معاهده گلستان در مورد تعیین خط‌های مرزی بین ایران و روسیه، مبهم بود. همین مسئله نیز، موجب دست‌درآزی روس‌ها به خاک ایران، از جمله اراضی اطراف ایروان و آذربایجان شد.

این عوامل سبب بروز جنگ‌های دوم ایران و روس، طی سال‌های ۱۲۰۴ تا ۱۲۰۶ ش شد. در ابتدا، در اثر فتوای علمایی همچون آیت‌الله سیدمحمد هاشم مجاهد، مردم مسلمان، مشتاقانه وارد جنگ با روس‌ها شدند و عباس میرزا موفق شد مناطق بسیاری را از دست دشمن آزاد کند. اما بار دیگر خیانت دولت انگلستان^۲ و بی‌کفایتی دربار ایران، سرنوشت جنگ را به نفع دولت روسیه تزاری رقم زد. این دوره از جنگ‌ها، با بسته شدن قرارداد ننگین دیگری به نام «ترکمانچای» خاتمه یافت. مطابق این معاهده، علاوه بر سرزمین‌هایی که در عهدنامه گلستان به روس‌ها واگذار شده بود، ایروان، نخجوان و بخشی از دشت مغان نیز از ایران جدا شد و به روسیه تعلق گرفت؛ ایران متعهد به پرداخت پنج میلیون تومان غرامت به روسیه شد. همچنین، برقراری حق کاپیتولاسیون یا قضاوت کنسولی، بر ایران تحمیل گردید. به موجب این حق، هرگاه اتباع روسی مقیم ایران مرتکب جرمی می‌شدند، دادگاه‌های ایران حق رسیدگی نداشتند، بلکه مراجع قضایی دولت روسیه می‌بایست به آن جرم رسیدگی می‌کردند.

بیشتر بدانید

قاعده نفی سبیل

سبیل در لغت به معنای راه است. این قاعده ریشه قرآنی دارد و از آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (و خداوند هرگز راهی برای تسلط کافران بر مؤمنان قرار نداده است) (سوره نساء، آیه ۱۴۱)، نشئت گرفته است و حدیث نبوی اعتلا (الاسلام یعلو و لا یعلی علیه) با آن ربط دارد. آیات و روایات بسیاری بر این دلالت دارند که هرگونه ارتباط و داد و ستدی که موجب تسلط بیگانگان بر مسلمانان شود، اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ناروا و مردود است. فقها از این مطلب تحت عنوان «قاعده نفی سبیل» یاد می‌کنند.

۱. ضعف دستگاه اداری کشور نیز در این شکست‌ها تأثیر داشت زیرا در آن زمان، بار اصلی جنگ با روس‌ها بر دوش چهار ایالت

شمالی ایران بود.

۲. سرگور وازلی سفیر وقت انگلستان در ایران (در تأیید نقش تخریبی انگلستان در وادار کردن ایران به انعقاد قراردادهای ننگین)، با افتخار طی متنی به وزیر خارجه انگلستان می‌نویسد: «ما توفیق یافتیم به متحد خود روسیه از این راه دور کمک کنیم... با این ترتیب روس‌ها خواهند توانست از سبایان قفقاز بر ضد دشمن مشترک (فرانسه) استفاده نمایند.» (نجفی و حقانی، همان، ص ۱۱۸).

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا روس‌ها خواستار اجرای کابیتولاسیون در ایران شدند؟

ب) ایران در دام رقابت و توسعه‌طلبی فرانسه و انگلستان: علاوه بر روس‌ها که توسعه‌طلبی و منفعت‌خواهی آنان سبب تحمیل جنگ‌های زیان‌بار بر ایران شد، دو دولت فرانسه و انگلیس نیز در جهت کسب منافع خود در ایران، با یکدیگر به رقابت پرداختند.



ناپلئون بناپارت

ناپلئون بناپارت، امپراتور فرانسه، که از حمله مستقیم به انگلستان ناتوان بود^۱، قصد داشت با تصرف مستعمره‌های انگلیس، این کشور را شکست دهد. مهم‌ترین مستعمره انگلیس، هندوستان بود که دسترسی به آن، از راه ایران امکان‌پذیر بود. به این منظور، ناپلئون قرارداد «فین‌کن‌اشتاین»^۲ را با ایران بست. براساس این معاهده، فرانسه متعهد شد که ایران را در جنگ با روسیه کمک کند. در مقابل، ایران برای حمله به متصرفات انگلستان در هند، با افغان‌ها و قبایل هرات و قندهار متحد شود و به انگلستان، اعلان جنگ دهد. همچنین، در صورتی که تصمیم ناپلئون بر لشکرکشی به هندوستان قرار گیرد، اجازه عبور لشکر او از ایران، به آن کشور داده شود.

از آنجا که همه استعمارگران به دنبال منافع، و نه دوستی دائمی با ایران بودند، پس از آنکه ناپلئون با تزار روس عهدنامه «تیلسیت»^۳ را بست، تعهدهای خود نسبت به ایران را زیر پا گذاشت؛ و دربار ایران که از حمایت فرانسه ناامید شده بود، به انگلستان روی آورد.

۱. چون انگلستان یک جزیره و دارای نیروهای دریایی قوی بود، قدرت دفع هرگونه تهاجم دریایی را داشت.

2. Finkenestein

3. Tilsit

انگلستان ایران را سدّ محکمی در برابر تهاجم به مستعمره‌های خود در هندوستان می‌دانست، و علاقه‌مند بود که در دربار ایران نفوذ کند. دولت ایران، با امضای توافق‌نامه‌ای با انگلستان در سال ۱۱۸۷ ش، کوشید که حمایت این کشور را جلب کند. به موجب این توافق‌نامه که به عهدنامه «مجمّل» مشهور است، انگلستان تعهد کرد که هرگاه نیروی نظامی دولت‌های اروپایی به ایران حمله کنند، نیروی نظامی در اختیار ایران قرار دهد، و یا در عوض آن، به دولت ایران کمک مالی کند.

در سال ۱۱۹۰ ش، پس از پیروزی روس‌ها در مرحله‌ی اوّل جنگ، انگلستان معاهده‌ای با ایران منعقد کرد که به عهدنامه «مفصل» معروف شد. این عهدنامه در سال ۱۱۹۲ ش به امضای فتحعلی‌شاه رسید و مفاد آن به گونه‌ای بود که استقلال ایران را بر باد می‌داد.

برخی از تعهدهای ایران در این عهدنامه عبارت بودند از:

۱. قبول حاکمیت نماینده انگلیس در اختلاف‌های مرزی خود با روسیه
۲. خودداری از بستن قرارداد با روسیه یا هر دولت سومی که دشمن انگلیس باشد.
۳. استخدام نکردن افسر و افراد نظامی برای آموزش سپاه ایران، از کشورهایی که با انگلستان روابط دوستانه ندارند.

در برابر، انگلیس به تعهدات مبهم و پیشامدهای احتمالی ملزم شد؛ برای مثال:

۱. اگر دولت ثالثی به خاک ایران تعرض کند، انگلستان حتی‌المقدور از کمک و مساعدت به ایران خودداری نکند.

۲. انگلستان از کمک به سرکشان و شاهزادگانی که علیه تاج و تخت پادشاه قاجار قیام کنند، خودداری کند.

انگلستان نیز مانند فرانسه، در مقابل سازهایی که با روسیه انجام داد، به تعهدات خود عمل نکرد. این کشور نه تنها روابطی دوستانه با ایران برقرار نکرد، بلکه به منظور جلب دوستی دولت استعماری روسیه، مستشاران خود را از ارتش ایران فراخواند؛ از کمک به ایران خودداری کرد و داوری سفیر خود را در پیمان صلح ایران و روسیه، به ضرر ایران، بر کشور ما تحمیل کرد. کارگزاران ایران در طول نزاع با کشورهای استعماری، بیشتر از آنکه به قدرت و بسیج مردمی تکیه کنند، به هم‌پیمانی با کشورهای خارجی امیدوار بودند.

جنگ هرات

شهر هرات دروازهٔ هندوستان شمرده می‌شد، و در آن زمان جزء ایران بود. اما حکمران آنجا، کامران میرزا، با تحریک انگلیس‌ها علیه حکومت مرکزی ایران شورش کرده بود، و حتی گاهی به مناطق دیگر ایران دست‌اندازی می‌کرد.

پس از پایان جنگ‌های ایران و روسیه، فتحعلی‌شاه برای جبران ناکامی‌های خود متوجه شرق ایران و بازپس‌گیری هرات شد. فتحعلی‌شاه، ولیعهد خود، عباس میرزا، را به سوی هرات روانه کرد. ولی او قبل از انجام مأموریت فوت کرد و فتحعلی‌شاه نیز پس از زمان کوتاهی درگذشت. روس‌ها نیز ایران را در حمله به هرات تشویق می‌کردند زیرا از سویی با انگلستان رقابت داشتند، و به خطر افتادن مستعمره‌های انگلیس در هند را به مصلحت خود می‌دانستند، و از سوی دیگر، مشغول شدن ایران در جنگ هرات را مایهٔ فراموشی ایالت‌های از دست رفتهٔ شمالی، توسط دولت ایران می‌دانستند.



محمدشاه قاجار

پس از مرگ فتحعلی‌شاه، محمد میرزا (فرزند عباس میرزا) به پادشاهی رسید. محمدشاه پس از سرکوب مدعیان سلطنت، صدراعظم خوش‌نام و شایستهٔ خود میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی را به قتل رساند. پس از آنکه کامران میرزا حاکم هرات دوباره نافرمانی کرد، محمدشاه اقدام به محاصرهٔ هرات کرد.

انگلستان به کمک عاملان خود در دربار ایران، تلاش زیادی کرد که ایران را از حمله به هرات باز دارد. محمدشاه به تحریک‌ها و دخالت‌های آشکار «مک‌نیل» سفیر انگلیس، اعتراض کرد. در پی این اعتراض، مک‌نیل با

اعلام قطع روابط ایران و انگلیس (۱۲۱۷ ش) از ایران خارج شد؛ و هشدار داد که در صورت خاتمه نیافتن محاصرهٔ هرات، جنگ بین انگلستان و ایران، آغاز خواهد شد.

انگلیسی‌ها سرانجام جزیرهٔ خارک را اشغال کردند و تهدید کردند که در صورت ادامهٔ محاصرهٔ هرات، در خاک ایران پیشروی خواهند کرد. محمدشاه که توان رویارویی با انگلیسی‌ها را در خود نمی‌دید و از جانب روس‌ها هم، حمایت عملی دریافت نکرده بود. دست از محاصرهٔ هرات برداشت.

بیشتر بدانید

میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (قائم مقام ثانی)

میرزا ابوالقاسم قائم مقام ثانی وزیر عباس میرزا نایب السلطنه و صدراعظم محمدشاه، پسر میرزا عیسی فراهانی مشهور به میرزا بزرگ از رجال بزرگ ادب و سیاست ایران است. وی مدتی وزارت عباس میرزا را بر عهده داشت و پس از مرگ پدرش در سال ۱۲۳۷ ق. منصب قائم مقامی نیز به او اعطا شد. از این تاریخ به بعد، بیشتر اوقات همراه عباس میرزا بود. در آن مدت، فتحعلی شاه او را به وزارت و سرپرستی پسر خود فرخ میرزا نیرالدوله که حاکم همدان بود، منصوب کرد. میرزا ابوالقاسم که از اوایل دوره دوم جنگ‌های ایران و روس وارد دستگاه عباس میرزا شده بود، مخالف از سرگیری جنگ با روسیه بود. وی در ابتدای سلطنت محمدشاه به منصب صدارت منصوب شد. اما در حالی که در صدد انجام اصلاحات در مملکت بود، محمدشاه فرمان قتل او را در ماه صفر ۱۲۵۱ ق. صادر کرد. منشآت از جمله آثار قائم مقام فراهانی است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا انگلیسی‌ها ایران را از محاصره و تصرف هرات باز داشتند؟

معاهده دوم ارزنة الروم^۱

دو کشور ایران و عثمانی، از دوره حکومت صفوی با یکدیگر اختلاف داشتند. دولت‌های استعمارگر نیز به این اختلاف‌ها دامن می‌زدند. چون جنگ بین دو کشور مسلمان را، به نفع خویش می‌دانستند. در زمان قاجارها نیز، این اختلاف‌ها ادامه پیدا کرد. در دوره فتحعلی شاه، عباس میرزا به خاک عثمانی لشکر کشی کرد. اما با وجود پیشروی قابل توجه، این لشکر کشی برای ایران نتیجه‌ای به دنبال نداشت، و دو کشور، تن به سازش دادند.

در زمان حکومت محمد شاه، اختلاف‌های مرزی بین ایران و عثمانی افزایش یافت، و درگیری‌های پراکنده‌ای بین دو کشور روی داد. سرانجام در شهر ارزنة الروم مذاکراتی بین نمایندگان ایران و عثمانی با حضور نمایندگان روسیه و انگلستان برای حل اختلاف‌ها انجام شد. نماینده ایران در این مذاکره‌ها میرزا تقی خان فراهانی امیر نظام بود که بعدها صدراعظم ناصرالدین شاه شد و به «امیر کبیر» مشهور گردید.

۱. عهدنامه اول ارزنة الروم در سال ۱۲۰۲ ش بین نمایندگان ایران و عثمانی به امضاء رسید. با این حال به دلیل عدم تعیین دقیق مرزهای دو کشور، مدتی بعد مذاکرات دوباره آغاز و سرانجام به امضای معاهده دوم ارزنة الروم منجر شد.

این مذاکره‌ها به عهدنامهٔ دوم ارزنة الروم انجامید. به موجب این قرارداد، ایران از ادعاهای خود دربارهٔ بعضی مناطق، از جمله سلیمانیه، دست برداشت. در مقابل، دولت عثمانی، حاکمیت ایران بر خرمشهر و ساحل چپ اروندرود، نیز کشتی‌رانی در این رودخانه را، به رسمیت شناخت. علاوه بر آن، دولت عثمانی متعهد شد که از آزار و اذیت زائران ایرانی عتبات عالیات جلوگیری کند، و تسهیلات لازم را برای بازرگانان کشور ما در آن سرزمین، فراهم آورد.

نتایج و عبرت‌های دو جنگ ایران و روس را می‌توان چنین برشمرد:

۱. بی‌اعتمادی کامل به اروپاییان و اینکه آنها به هیچ‌وجه به قول خود پایبند نیستند و فقط به منافع خود می‌اندیشند.

۲. در مبارزه با یک قدرت خارجی نباید به قدرت دیگر اتکای جدی کرد.

۳. با شکست اقتصادی، سیاسی و نظامی ایران که نتیجه روحیه خودباختگی در حاکمان بود، بستر برای ورود مبلغین غربی و نفوذ فرهنگی در ایران ایجاد شد.

۴. مذاکراتی که طی این دو جنگ انجام شد، برای سرگرم کردن ایرانیان و تأمین منافع دولت‌های استعمارگر بود.

علمای بزرگ در سخت‌ترین شرایط اعلام بسیج عمومی کردند و این نیرو بزرگ‌ترین محرک ملی در برابر بیگانگان بود.^۱

پرسش‌های نمونه

۱. مفاد عهدنامهٔ گلستان چه بود؟

۲. چه عواملی موجب بروز دورهٔ دوم جنگ‌های ایران و روسیه شد؟

۳. مفاد عهدنامهٔ ترکمانچای چه بود؟

۴. براساس کاپیتولاسیون، اتباع دولت روسیه در ایران از چه حقی برخوردار شدند؟

۵. هرکدام از دو دولت فرانسه و ایران براساس معاهدهٔ فین‌کن‌اشتاین چه تعهداتی داشتند؟

۶. چرا روس‌ها ایران را به لشکرکشی به سوی هرات تشویق می‌کردند؟

۷. مفاد عهدنامهٔ دوم ارزنة الروم چه بود؟

۱. نجفی و حقانی، همان، ص ۱۲۷.

دوران ناصرالدین شاه

دوران ناصرالدین شاه، چهارمین پادشاه قاجار، که پنجاه سال به طول انجامید، موضوع این درس است. در این درس همچنین با سه شخصیت بزرگ دوران معاصر، یعنی میرزای شیرازی، امیرکبیر و سید جمال‌الدین اسدآبادی آشنا خواهید شد.



ناصرالدین شاه

دوران طولانی سلطنت ناصرالدین شاه با چند

موضوع شناخته می‌شود:

۱. قتل صدراعظم دانشمند و ایران‌دوست، میرزاتقی خان امیرکبیر، به تحریک فاسدان و بدخواهانی که منافعشان به خطر افتاده بود.

۲. آشنایی تدریجی گروهی از ایرانیان با پیشرفت‌های اروپاییان.

۳. واگذاری امتیازات اقتصادی و فرهنگی به بیگانگان؛ نظیر امتیاز رویترا، امتیاز لاتاری و امتیاز خرید و فروش تنباکو.

صدارت امیرکبیر

پس از مرگ محمدشاه، فرزند شانزده‌ساله‌اش، ناصرالدین میرزا، به سلطنت رسید. او امیرکبیر را به صدارت برگزید.

میرزاتقی خان فراهانی ملقب به امیرکبیر از شخصیت‌های استقلال‌طلب و میهن‌دوست تاریخ معاصر ایران به شمار می‌آید. او در دوران زندگی سیاسی خود، چه قبل از صدارت و چه در زمان

کوتاه صدارت، برای حفظ تمامیت ارضی و مبارزه با دخالت بیگانگان، تلاش زیادی کرد. در روزگار او، سیاست داخلی و خارجی ایران به شدت تحت تأثیر دولت‌های بیگانه، به‌ویژه روسیه و انگلیس قرار



میرزا تقی‌خان امیرکبیر

داشت، و کار امیرکبیر در اتخاذ سیاست مستقل، بسیار دشوار و تحسین برانگیز بود.

امیرکبیر از مردان بزرگ تاریخ ایران است. او با اراده‌ استوار به اصلاح امور پرداخت و در مدت سه سال و سه ماه صدارت، اقدام‌های بزرگی انجام داد. که به گوشه‌ای از آنها اشاره می‌شود:

۱. لغو لقب‌های طولانی و بی‌معنی، و اکتفا به کلمه جناب، حتی نسبت به مقام صدارت.

۲. منع رشوه‌خواری، و برقراری حقوق ثابت برای مأموران دولت.

۳. فرستادن شاگردانی به اروپا، برای کسب مهارت‌ها و دانش‌های جدید.

۴. استخدام معلمان و استادان خارجی، به‌ویژه از کشورهای غیر از انگلیس و روس.

۵. ترجمه کتاب، نشر روزنامه.

۶. تأسیس مدرسه عالی در تهران و ارائه طرح مدرسه دارالفنون؛ که پس از برکناری او شروع به کار کرد.

۷. جلوگیری از دخالت نمایندگان خارجی در امور داخلی ایران.



مدرسه دارالفنون

۸. دفع فتنه سالار^۱ در خراسان، و فرقه بایبه.
۹. تقویت ارتش ملی کشور.
۱۰. تلاش در جهت استقلال اقتصادی و توسعه صنعتی ایران.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما هدف امیرکبیر از مقابله با دخالت نمایندگان دولت‌های خارجی در امور داخلی ایران چه بود؟

بیشتر بدانید

یکی از ترفندهای استعمار برای از بین بردن بنیان‌های اعتقادی و فرهنگی کشورهای اسلامی، به‌وجود آوردن فرقه‌های منحرف مانند مسلک بابی در دوره محمدشاه و فرقه بهایی در دوره ناصری، در ایران بود. سیدعلی محمد باب، رهبر فرقه گمراه و منحرف بایبه، که ابتدا ادعا می‌کرد باب، یعنی واسطه میان امام زمان (عج) و مردم است، در نهایت مدعی پیامبری و آوردن دین جدید شد. او پس از آنکه در مجلس مناظره توانست از ادعاهای واهی خود دفاع کند، توسط علمای شیعه تکفیر گردید. وی در زمان ناصرالدین‌شاه در قلعه چهریق آذربایجان زندانی بود؛ و پس از سرکوب اغتشاش‌های بایبان در مازندران و زنجان، به دستور امیرکبیر، به اتفاق یکی از همراهانش، در میدان صاحب‌الزمان (عج) تبریز اعدام شد.^۲

واگذاری امتیازات به بیگانگان

کشورهای اروپایی با برده‌داری گسترده و ثروت حاصل از غارت ملت‌های آسیایی و آفریقایی، توانستند شرایط اقتصادی و اجتماعی برای انقلاب علمی و صنعتی را فراهم کرده و به جهشی در رشد اقتصادی دست پیدا کنند. در نتیجه، به بازارهای مصرف و مواد اولیه ارزان قیمت نیاز داشتند. بنابراین، دولت‌های استعماری، روزبه‌روز بر نفوذ خود در کشورهای دیگر می‌افزودند. دولت ایران، به ویژه از عهد ناصرالدین‌شاه، که با هزینه‌های سرسام‌آور خوش‌گذرانی‌ها و مسافرت‌های او به اروپا روبه‌رو بود، با واگذاری امتیازات به دولت‌های استعماری، سعی در تأمین این مخارج داشت. در زمان

۱. سالار؛ پسر آصف‌الدوله، والی خراسان در زمان محمدشاه قاجار بود، که علم شورش و تجزیه‌طلبی را در آن ایالت برافراشت. شورش او تا زمان ناصرالدین‌شاه ادامه داشت. امیرکبیر با اعزام سپاهیان زیادی، سرانجام موفق به ختم غائله شد؛ و سالار و همراهانش به قتل رسیدند (ن. ک: پینا، تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران صص ۱۵۹ و ۱۶۰؛ همچنین: سپهر، ناسخ‌التواریخ، ج ۳، صص ۱۰۹۷-۱۱۰۱).

۲. آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۴۴۷؛ خسروشاهی، اسناد و مدارک درباره بهائی‌گری، ج ۲، ص ۴۵ به بعد؛ شهبازی، جستارهایی

از تاریخ بهائی‌گری، ص ۱۳.



میرزا ملکم خان

او ده‌ها امتیاز اقتصادی به بیگانگان واگذار شد که سهم روسیه و انگلستان بیش از سایر کشورها بود. در نتیجه واگذاری این امتیازات، ثروت و دارایی ایران (معادن، جنگل‌ها، صنایع، گمرکات، بنادر، شیلات و...) که پشتوانه کشور و متعلق به نسل حاضر و آینده بود به تاراج رفت.

بی‌تردید افرادی که زیر نفوذ این دولت‌های استعماری بودند، در دادن این امتیازها نقشی چشمگیر داشتند. همچنان که میرزا حسین خان سپهسالار و میرزا ملکم خان، عاملان اصلی واگذاری امتیاز رویتر و امتیاز لاتاری به دولت استعماری انگلیس بودند.

از سوی دیگر، علمای دین که پناهگاه مردم در مبارزه با بیگانگان بودند، در ناکام گذاردن استعمارگران و عاملان آنان در رسیدن به هدف‌های شومشان، تأثیر بسیار داشتند. در اینجا به سه امتیاز استعماری رویتر، لاتاری و توتون و تنباکو اشاره می‌شود:

امتیاز رویتر

این امتیاز در زمان ناصرالدین شاه (۱۲۵۰ ش. / ۱۸۷۲ م.) با تلاش میرزا حسین خان سپهسالار صدر اعظم وقت و همکاری میرزا ملکم خان به یک یهودی به نام بارون جولوس دو رویتر واگذار شد. به موجب قرارداد رویتر، حق احداث راه آهن و تراموا و بهره‌برداری از کلیه معادن و منابع ایران به جز طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی، نیز بهره‌برداری از جنگل‌ها و احداث قنات‌ها و کانال‌های آبیاری به مدت هفتاد سال و اداره گمرک‌ها و حق صدور همه نوع محصولات انگلیسی به ایران، به مدت بیست و پنج سال به رویتر واگذار شد. در مقابل، رویتر تنها مبلغ دویست هزار لیره برای تأمین هزینه‌های سفر ناصرالدین شاه به اروپا به صورت وام پرداخت کرد.^۱

۱. بعداً معلوم شد که میرزا حسین خان سپهسالار ۵ هزار لیره، میرزا ملکم خان ۲ هزار لیره، معین‌الملک ۲ هزار لیره و مبالغی نیز اقبال‌الملک به عنوان رشوه برای عقد این قرارداد از سوی انگلیسی‌ها دریافت کرده‌اند. اعتماد السلطنه، کتاب *خلسه*، ص ۱۰۳؛ بامداد، *تاریخ رجال ایران*، صص ۴۰۷-۴۱۱.

بیشتر بدانید

وقتی خیر اعطای این امتیاز منتشر شد، شگفتی و حیرت بسیاری را برانگیخت. به طوری که لرد کرزن یکی از مأموران امپراتوری انگلیس در هند و خاورمیانه، درباره این امتیاز نوشت: «عجیب‌ترین امتیازی که در طول تاریخ نظیر ندارد و به موجب آن، تمام منابع طبیعی کشوری به یک خارجی تسلیم گشته است».^۱

واگذاری امتیاز رویترا، اعتراض و مخالفت علما را برانگیخت؛ چراکه در صورت اجرای آن امتیاز، زمینه سلطه کامل انگلستان بر ایران همچون هند فراهم می‌آمد. آیت‌الله حاج ملاعلی کنی، مجتهد بزرگ تهران، رهبری مخالفان را بر عهده داشت. ایشان علاوه بر امتیاز رویترا، با میرزا حسین خان سپهسالار، صدر اعظم وقت نیز مخالف بود؛ زیرا سپهسالار آشکارا تقلید از قوانین، اصول زندگی و مدنیت غربی را در پیش گرفته بود و ناصرالدین شاه را به اجرای سیاست‌های خود ترغیب می‌کرد. روس‌ها نیز از منافع سرشماری که این قرارداد برای رقیب آنها داشت، ناراضی بودند و خواستار لغو آن شدند. سرانجام ناصرالدین شاه مجبور به لغو امتیاز شد. همچنین میرزا حسین خان سپهسالار را از صدارت برکنار کرد.^۲ رویترا که امتیاز بزرگی را از دست داده بود به تلاش برای جبران این خسارت پرداخت و در نهایت موفق شد امتیاز بانک شاهنشاهی را به مدت شصت سال، از شاه بگیرد.

برگی از تاریخ



آیت‌الله حاج ملاعلی کنی

آیت‌الله ملاعلی کنی ملقب به رئیس‌المجتهدین (۱۱۸۴ - ۱۲۶۷ ش.) از علمای معروف و مبارز ایران در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم

وی از شاگردان شیخ مرتضی انصاری بود که با وجود رابطه خوبش با دولتمردان عصر ناصری، از سیاست‌های دولت در سپردن امور به میرزا ملکم خان ارمنی و تأسیس فراموشخانه توسط وی انتقاد می‌کرد و آن را موجب ویرانی دین و دولت می‌دانست.

۱. کرزن، ایران و قضیه ایران، ص ۴۲۱.

۲. اسناد وزارت خارجه، صندوق ۱۴؛ یک‌صد سند تاریخی، گزارش مشیرالدوله، صص ۲۱۰ و ۲۱۱.

آیت‌الله کنی از مخالفان جدی اصلاحات غرب‌گرایانه سپهسالار نیز بود و آن را موجب مناهی و محرمات و مخالفت شریعت و دین و برهم خوردن نظم اجتماعی و در نهایت وابستگی و تحت‌الحمایگی ایران می‌دانست. آیت‌الله کنی از مخالفان سرسخت قرارداد استعماری رویتز بود و آن را زیانبار می‌دانست و با هوشمندی سیاسی تحسین‌برانگیزی مقاصد انگلیس را از تحمیل چنین قراردادهای استعماری افشا می‌کرد. وی نامه‌های مختلفی در این زمینه به ناصرالدین‌شاه نوشت. عاقبت در ۱۲ مهر ۱۲۶۷ ش در هشتاد و شش سالگی درگذشت و در جوار مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) به خاک سپرده شد.

امتیاز لاتاری

در سال ۱۲۶۷ ش میرزا ملکم‌خان (معروف به ناظم‌الدوله) که خود را از روشنفکران مخالف استبداد و مدافع قانون می‌شمرد، ناصرالدین‌شاه را قانع کرد که امتیاز تأسیس قمارخانه (لاتاری) را، بدون ذکر نام صاحب امتیاز، به او واگذار کند. در آن امتیاز نامه شرط شده بود که میرزا ملکم‌خان بدون اجازه نهایی شاه آن را به کسی انتقال ندهد. اما او در ازای دریافت چهل هزار لیره، آن را به یک کمپانی انگلیسی واگذار کرد. پس از آشکار شدن امتیاز لاتاری، علمای دینی ایران با اعلام حرام بودن لاتاری به عنوان یک قمار، انگلیسی‌ها را در دستیابی به منافع آن ناکام گذاشتند.

شاه و دربار نیز وقتی متوجه سوء استفاده ملکم‌خان از این امتیاز شدند، از همان تاریخ او را از تصدی به کلیه مقام‌های مهم دولتی محروم کردند و سهام‌داران شرکت سرمایه‌گذاری، ملکم‌خان را به تقلب و کلاهبرداری متهم و از وی به مراجع قانونی شکایت کردند.

بیشتر بدانید

میرزا ملکم‌خان در سال ۱۲۳۷ ش به پیروی از لژهای فراماسونری اروپایی، در ایران اقدام به تأسیس فراموش‌خانه (نوع ایرانی فراماسونری) کرد. او با استفاده از موقعیت تدریس در دارالفنون، عده‌ای از دانش‌آموزان آن مرکز را به عضویت فراموش‌خانه درآورد. ملکم‌خان ایرانیان را فاقد شعور می‌دانست، و با عبارات‌هایی زننده و توهین‌آمیز از مردم ایران سخن می‌گفت. او معتقد بود که باید بدون هیچ دخل و تصرفی، در همه چیز از غرب تقلید کرد.^۱

۱. ن. ک.: الگار، میرزا ملکم‌خان، صص ۱۱۴-۱۲۰؛ تیموری، عصر بی‌خبری، ص ۱۹۱؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱،

صص ۳۸-۳۵؛ کتیرایی، فراماسونری در ایران، صص ۶۲-۸۲.

نهضت تحریم تنباکو؛ نخستین حرکت مردمی فراگیر بر ضد استعمار

یکی از امتیازاتی که در دوره قاجار به دولت استعماری انگلیس واگذار شد، انحصار خرید و فروش توتون و تنباکو^۱ در داخل و خارج ایران به مدت پنجاه سال بود، که به یک انگلیسی به نام «تالبوت» داده شد. از این رو، این قرارداد به «قرارداد تالبوت» مشهور شده است؛ و از آنجا که نام شرکت او «رژئی» بود، این عهدنامه را رژئی نیز می‌نامند.

ناصرالدین شاه این امتیاز را برابر دریافت سالانه پانزده هزار لیره و $\frac{1}{4}$ سود سالانه، به تالبوت واگذار کرده بود. در حالی که دولت عثمانی، با وجودی که از محصول توتون و تنباکوی کمتری برخوردار بود، این امتیاز را برابر دریافت سالانه هفتصد هزار لیره، به یک کمپانی خارجی واگذار کرده بود.

مردم ایران که می‌دیدند محصول توتون و تنباکوی خود را باید به بهای کمی به بیگانه بفروشند و برای مصارف داخلی، دوباره آن را به قیمت گزافی بخرند، شروع به قیام و اعتراض نسبت به این قرارداد کردند. این مخالفت، در شهرهایی مانند تبریز، شیراز، اصفهان و تهران، به اوج خود رسید. عالمان دین، در شهرهای مختلف رهبری این نهضت را به دست گرفتند. آیت‌الله آقاجفی اصفهانی در اصفهان، آیت‌الله سید علی اکبر فال اسیری در شیراز^۲، آیت‌الله میرزا حسن آشتیانی و آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری در تهران و آیت‌الله میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی در تبریز، از جمله این روحانیون بودند. آنان خطر سلطه استعمار انگلیس را به مردم گوشزد کردند. در این میان، شیخ فضل‌الله نوری، به عنوان نماینده میرزای شیرازی، مرجع بزرگ شیعیان، در ایران عمل می‌کرد و نقش اساسی در گرفتن فتوای تحریم تنباکو از مرجعیت بزرگ شیعه داشت.

سید جمال‌الدین اسدآبادی نیز به مخالفت با این قرارداد برخاست، او در این باره، نامه‌ای به آیت‌الله میرزای شیرازی که در سامرا بود، نوشت. سرانجام حکم تاریخی این مجتهد بزرگ و صاحب نفوذ صادر شد، و نهضتی بزرگ در سراسر ایران پدید آورد که حتی به درون دربار شاه

۱. باید توجه داشت که توتون و تنباکو، از کالاهای مهم بازرگانی آن دوران به حساب می‌آمد، و نقش زیادی در اقتصاد کشور بازی

می‌کرد.

۲. در آن زمان، اهمیت محصول توتون و تنباکو در فارس بیش از نقاط دیگر ایران بوده است. سید علی‌اکبر فال اسیری، در شیراز، پس از تجمع مردم در مسجد وکیل، بر بالای منبر رفت و سخنانی آتشین علیه دولت و صاحب امتیاز آن بیان کرد. در پایان سخنرانی، شمشیری را از زیر عبا بیرون آورده و اظهار داشت: «موقع جهاد عمومی است. ای مردم، بکوشید! من یک شمشیر و دو قطره خون دارم. هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات به شیراز بیاید، شمشیر را با این شمشیر پاره خواهم کرد». تیموری، *تحریم تنباکو*، اولین مقاومت منفی در ایران، ص ۶۹.

نیز نفوذ کرد.^۱

حکم مذکور چنین بود :



آیت الله میرزای شیرازی

«بسم الله الرحمن الرحيم

اليوم، استعمال تنباکو و توتون بآئی
نحو کان، در حکم محاربه با امام زمان
عجل الله تعالی فرجه است.^۲
حررة الاحقر، محمدحسن الحسينی».

بیشتر بدانید

خودداری زنان دربار از استعمال تنباکو

اعتمادالسلطنه یکی از شخصیت‌های مشهور زمان سلطنت ناصرالدین شاه است. یکی از آثار اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات* اوست. او در *روزنامه خاطرات* نوشته است :

«طوری مسئله تنباکو مهم است که حتی اندرون شاه، به هیچ‌وجه قلیان نمی‌کشند. شنیدم شاه به زنان خودش فرموده بود : «چه کسی قلیان را حرام کرده؟ بکشید...» یکی از خانم‌ها عرض کرد : «همان کسی که ماها را به شما حلال کرده.» شاه فرمود : «من می‌کشم؛ شما هم بکشید!» یکی از آنان گفت : «تکلیف مردم این نیست که تقلید شما را بکنند.»^۳

هم‌گرایی مسیحیان و یهودیان ایران در حمایت از تحریم تنباکو

بنا به روایت رساله دخانیه، حکم میرزای شیرازی در همان نیم‌روز اول تا صد هزار نسخه رسید و مایه شگفتی ایرانیان و اعجاب خارجیان شد. حتی بانوان و نوکران ناصرالدین شاه از کشیدن توتون و تنباکو امتناع کردند، به طوری که هیچ‌کس را یارای آن نبود که در خیابان به معامله یا مصرف تنباکو مشغول شود. تا جایی که مسیحیان و یهودیان هم تحریم شرعی را رعایت می‌کردند.^۴

۱. کر بلائی، *قرارداد رزی*، ۱۸۹۰م با تاریخ انحصار دخانیات در سال ۱۳۰۹ ق، صص ۱۳۹-۱۴۷.

۲. ترجمه این حکم چنین است : امروز استعمال تنباکو و توتون به هر شکلی در حکم دشمنی و ستیز با امام عجل الله تعالی فرجه است.

۳. اعتمادالسلطنه، «*روزنامه خاطرات / اعتمادالسلطنه*»، ص ۷۸۱.

۴. هیدجی، *رساله دخانیه*، صص ۵۲ و ۵۳.



سید جمال‌الدین اسدآبادی
(۱۲۱۷-۱۲۷۵ ش.)

محمدبن سید صفدر، معروف به «سید جمال» اندیشمند و سخنور بزرگ انقلابی، و از رهبران ضد استعماری ملت‌های مسلمان در عهد قاجار بود. وی در سال ۱۲۱۷ ش. در اسدآباد همدان به دنیا آمد. از آنجا که وی از بنیانگذاران وحدت ملت‌های مسلمان بود، عمده‌اً ملیت ایرانی و شیعه بودن خود را مخفی نگاه می‌داشت. سید جمال حافظه‌ای نیرومند داشت؛ و از فلسفه، نجوم، علوم دینی و

دانش‌های زمان خود بهره‌های فراوان برد. او مسافرت‌های زیادی به شرق و غرب عالم کرد؛ و در سراسر عمر، با استبداد و استعمار در مبارزه بود. در پاریس مجله‌/العروة الوثقی را انتشار داد و در آن، به سیاست انگلستان در شرق حمله کرد و به همین دلیل با فشار انگلیسی‌ها، دولت فرانسه که مدعی دفاع از آزادی عقیده و مطبوعات آزاد بود مجله او را توقیف کرد! در قاهره، استانبول، هند و افغانستان، با سخنرانی‌های آتشین خود، افکار آزادی خواهی را در بین مردم مسلمان پراکنده ساخت. تأثیر سخنان او موجب ترور ناصرالدین شاه، پادشاه خودکامه قاجار، توسط میرزا رضا کرمانی شد.

سید جمال‌الدین اسدآبادی یکی از بیدارگران برجسته عصر ناصری بود که در کنار پیگیری اتحاد اسلامی در جهان اسلام، به جریان بیداری اسلامی در ایران توجه ویژه داشت. نقطه کانونی اندیشه وی وحدت مسلمانان و یگانگی دولت‌های اسلامی بود. شعار او «بازگشت به اسلام» و «بازگشت به قرآن» برای بازسازی هویت اسلامی مسلمانان بود. وی علت عقب ماندگی ملت‌های مسلمان را تفرقه و تعصب و دور شدن از اسلام اصیل می‌دانست. حتی ارتباط او با سلاطین کشورهای اسلامی نیز به هدف احیای مجد و عظمت مسلمانان و سرزمین‌های اسلامی بود؛ اگرچه در این زمینه توفیقی حاصل نکرد. او عاقبت در سال ۱۲۷۵ ش به طور مشکوکی فوت کرد.

صدور این حکم سبب شد که شاه ناچار به تسلیم گردد؛ و ابتدا امتیاز داخلی دخانیات و سپس امتیاز خارجی آن، لغو شد. میرزای شیرازی، تا زمانی که به وسیله شیخ فضل‌الله نوری از لغو قرارداد تنباکو مطمئن نشد، تحریم تنباکو را لغو نکرد.^۱

نهضت تحریم تنباکو موجب انسجام بیشتر مرجعیت شیعه، علما و مردم متدین ایران شد و نشان داد که بیداری اسلامی در ایران به بلوغ فکری و سیاسی رسیده است.

این پیروزی بزرگ به رهبری روحانیون، سبب شد که ضربه‌ای سخت به استعمارگران و عاملان داخلی آنان وارد آید؛ و مردم باور کنند که توانایی ایستادگی در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی را دارند. بسیاری از تاریخ‌نویسان، این قیام را سرآغاز بیداری ایرانیان و طلیعه نهضت مشروطه دانسته‌اند.^۲ نهضت تحریم تنباکو، در شرایطی باور نکردنی به بار نشست. آن زمان، اوج اقتدار امپراتوری انگلیس

۱. حسن‌زاده، شیخ فضل‌الله نوری در ظلمت مشروطه، ص ۳۹.

۲. ناظم‌الاسلام کرمانی، کتاب تاریخ بیداری ایرانیان را با شرح این واقعه آغاز کرده است.

بود؛ گستردگی این امپراتوری به اندازه‌ای بود که ملکه انگلستان ادعای کرد که در قلمرو کشورش، آفتاب هرگز غروب نمی‌کند. در واقع در این نهضت، مردم ایران توانستند برای نخستین بار، در برابر مقتدرترین دولت عالم، در آن زمان، ایستادگی کنند، و آن را وادار به پذیرش خواسته‌های خود کنند.^۱

بیشتر بدانید

دغدغه ابتدایی کار از نیمه اول سال ۱۳۱۶ هجری قمری و در خطبه‌های مرحوم آقا نجفی در مسجد جامع عباسی اصفهان آغاز شد؛ سخنانی مبنی بر لزوم حفظ و حراست از ثروت ملی و تولید کالای داخلی که به ایده راه‌اندازی شرکت اسلامیہ منجر شد. حاج آقا نورالله بلافاصله پس از این سخنرانی تجار بزرگ شهر را گرد هم آورد و با کمک تجار سرشناس به راه‌اندازی شرکت مبادرت نمود. پس از آن جمعی از مراجع همچون آیت‌الله آخوند خراسانی در نامه‌ای به مظفرالدین شاه وی را دعوت به حمایت از شرکت اسلامیہ می‌کنند. فعالیت شرکت اسلامیہ در ابتدا معطوف به صنعت نساجی و پوشاک بود. اما نیازهای متنوع مردم و اقبال عمومی آنان سبب شد تا فعالیت شرکت وارد بخش‌های دیگر از جمله ایجاد مدرسه، بیمارستان و حتی راه شوسه و راه آهن شود. این شرکت به صورت سهامی عام اداره می‌شد و به سرعت با استقبال گسترده مردم در خرید سهام و همچنین محصولات خود مواجه شد.

محل اصلی شرکت در اصفهان بود ولی شعبه‌هایی در تهران، شیراز، بوشهر، مشهد، تبریز و حتی نمایندگی‌هایی را در خارج از کشور در شهرهایی مثل لندن، کلکته، بمبئی، قاهره، استانبول، بغداد، مسکو و بادکوبه تأسیس نمود. تأثیرگذاری شرکت اسلامیہ چنان گسترده شد که وزارت خارجه انگلستان در پی ایجاد خلل در امور آن افتاد؛ به نحوی که سفیر انگلستان در نامه‌ای به وزارت خارجه خودشان می‌نویسد: از قرار اطلاعاتی که از اصفهان می‌رسد علمای آنجا بر ضد تجارت خارجه می‌باشند. علمای مزبور سعی بلیغ در رد مال التجاره خارجی دارند و در مساجد و در سایر نقاط علناً می‌گویند که مردم نباید امتعه خارجی را بخرند. نشریه تایمز انگلیسی هم در واکنش به تأسیس این شرکت نوشت: معلوم می‌شود ایرانیان اندک اندک از خواب غفلت بیدار شده و قدر و اهمیت تجارت خارجه را به نیکی فهمیده‌اند. همچنین در نامه‌ای چارزمارلین سفیر کبیر بریتانیا به میرزا حسن خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه ایران می‌نویسد: علمای اصفهان در تلاش‌اند تا نگذارند امتعه اروپایی به فروش برسد و به خریداران مهم ایرانی اخطار کرده‌اند که در مدت چهار ماه محاسبات خود را با تجارخانه‌های اروپایی قطع کنند. او با لحنی تهدیدآمیز از وزیر خارجه ایران می‌خواهد که احکامی را به کارگزاران اصفهان صادر کرده و از اقدامات فتنه‌انگیز این اشخاص علیه منافع اروپاییان جلوگیری به عمل آورد. شرکت اسلامیہ اولین تلاش در صنعت مدرن در ایران خصوصاً در زمینه نساجی بود و هسته اولیه کارخانجات بزرگ به سبک نوین در اصفهان و سایر شهرها به شمار می‌رفت. این شرکت هدف عمده خود را کاهش احتیاجات مردم ایران به کشورهای خارجی عنوان کرده بود. علماً نیز به شکل‌های مختلف، از این کار، حمایت کردند. تفکر مقاومت اقتصادی و اتکا به توان داخلی، در سال‌های بعد و با ظهور سلطنت پهلوی از این رفت و ایران به مصرف‌کننده‌ای ناتوان از تولید و رقابت تبدیل شد.

۱. درباره نهضت تحریم تنباکو، نسخه‌ای خطی با عنوان: رساله دخانیه و اجازه کمیانی و تلگرافات از شیخ حسن کربلایی برج‌مانده

است. همچنین رساله دیگری به همین نام، تألیف حکیم حاج محمدعلی هیدجی به کوشش علی اکبر ولایتی در این باره منتشر شده است.

پرسش‌های نمونه

۱. امیرکبیر در دورهٔ صدارت خود چه اصلاحات و اقداماتی انجام داد؟
۲. چرا کشورهای اروپایی در دیگر کشورها نفوذ می‌کردند؟
۳. در داخل و خارج از ایران چه مخالفت‌هایی علیه امتیاز روتر ایجاد شد؟ چرا؟
۴. امتیاز توتون و تنباکو با چه شرایطی به تالبوت واگذار شد؟ آن را با امتیازی که دولت عثمانی به یک شرکت خارجی واگذار کرده بود، مقایسه کنید.
۵. چه کسی فتوای تحریم توتون و تنباکو را صادر کرد و این فتوا چه نتیجه‌ای به دنبال داشت؟

اندیشه و جست و جو

۱. مطلبی دربارهٔ نقش درباریان و عوامل بیگانه در بدبینی ناصرالدین شاه نسبت به امیرکبیر تهیه کنید.
۲. در مورد خودکامه بودن ناصرالدین شاه و تأثیر آن در جلوگیری از اصلاحات در ایران، مطلبی تهیه کنید.
۳. دربارهٔ مزایا و معایب مدارس جدید که از زمان ناصرالدین شاه تأسیس شد، مطلبی تهیه کنید و بحث کنید که چه نوع مدرسی در آن زمان شروع به فعالیت کرد؟